

بهار خونین مردم و نیروهای امنیتی افغانستان

علی قادری

سرمقاله

فصل بهار و تشدید تهدیدات امنیتی

حفیظ الله زکی

آمدن فصل بهار همه ساله با تشدید نگرانی‌های امنیتی در افغانستان همراه می‌باشد. در حالی که مردم تلاش می‌کنند، سال نو شان را با خوشی آغاز کنند و تمام دغدغه‌ها، تهدیدها، نابسامانی‌ها و بی‌عدالتی‌ها را هر چند برای چند روزی به فراموشی بسپارند، اما واقعیت‌های تلخ تا املی و کشتار بیرحمانه هموطنان هرگونه دلخوشی را از شهروندان می‌گیرد.

آغاز به کار حکومت وحدت ملی همزمان بود با تشدید ناامنی و افزایش حملات انتحاری در کشور و بخصوص در پایتخت کشور. مردم کابل در چندماه گذشته عادت کرده بودند که صبح شان را با وقوع انفجار و انتحار شروع کنند. تقریباً هر روز یک حادثه امنیتی در شهر کابل اتفاق می‌افتاد. اما با سفرهای پی‌در پی رییس جمهور به کشورهای منطقه مردم امیدوار شدند که با همکاری سادقانه کشورهای منطقه، رقباهای مردم افغانستان تحقق یابد و به آنها اجازه داده شود تا بدون جنگ و خونریزی به زندگی مسالمت آمیز شان ادامه دهند.

در ماههای اخیر گفته می‌شود که مذاکرات صلح به زودی آغاز می‌شود؛ اما این مذاکرات نه تنها شروع نشد که با گرم شدن هوا همانند سال‌های گذشته حملات نظامی، انتحاری و کارگذاشتن ماین های کنار جاده ای بیشتر شد. علاوه بر رویدادهای امنیتی گذشته، ظهور گروه دولت اسلامی (داعش) در افغانستان و اعلام وفاداری تعدادی از فرماندهان مخالفان مسلح دولت از آن، نگرانی‌ها را در عرصه امنیتی بیش از حد افزایش داد.

موضوع گروگانگیری مسافران بی گناه یک کتله خاص قومی در غرب، جنوب و شمال افغانستان نشان می‌دهد که این بار گروه‌های تروریستی تحت نام داعش و یا هر نام دیگر، دقیقاً وحدت ملی افغانستان را نشانه گرفته‌اند. چرا که شاهراه کابل- قندهار و مسیر راههای هرات- فراه، دایکندی- قندهار و مزار- شولگرم تنها مسافرانی به گروگان گرفته می‌شوند که همگی متعلق به قوم هزاره می‌باشند؟

اگر مخالفان برای رسیدن به برخی از خواست‌های شان دست به چنین اقدامی زده‌اند؛ بدون شک با رویدن شهروندان مربوط به سایر اقوام بیشتر و زود تر می‌توانند به خواست‌های شان برسند؛ زیرا افراد با صلاحیت و تصمیم گیرنده و تأثیرگذار از سایر اقوام در بدنه قدرت بیشتر اند و آنها با استفاده از صلاحیت و نفوذ خود می‌توانند زودتر به قضیه گروگانگیری خاتمه دهند. بنابراین جدا از مساله امتیاز گیری، گروگان گیسران اهداف خاص دیگری را نیز تعقیب می‌کنند.

به گونه مثال، قرار گرفته‌های نمایندگان پارلمان و شورای ولایتی زابل، ربانندگان ۲۱ نفر مسافر هزاره در این ولایت همگی خارجی می‌باشند و خواسته‌ای شان این است که دوازده نفر مربوط به گروه آنها که در زندان‌های افغانستان به سر می‌برند، آزاد شوند. سؤال این است که برای خارجی‌ها چه فرقی می‌کند که گروگان‌ها هزاره باشند یا از اقوام دیگر افغانستان؟ برای آنها مهم این است که حکومت تحت فشار قرار بگیرد و آنها زودتر به خواست‌های شان برسند.

پس چرا از میان همه مسافران، تنها هزاره‌ها روده می‌شوند، در حالی که با گرفتن افرادی از اقوام دیگر بیشتر می‌توانستند حکومت را تحت فشار بگذارند. شناسایی هزاره‌ها به هر حال برای خارجیان‌ها که حتی به زبان ملی افغانستان صحبت نمی‌توانند تا حدودی دشوار می‌نماید و این نشان می‌دهد که گروه‌های داخلی حداقل در شناسایی مسافران هزاره با ربانندگان همکار بوده‌اند و رویدن مسافران هزاره جدا از مساله امتیازخواهی به پدیده‌های قومی و ایدئولوژیکی نیز ارتباط می‌گیرد. نسبت دادن ربانندگان به خارج از کشور در واقع فرافکنی از مسؤلیت‌هایی است که خواه ناخواه متوجه مردم زابل می‌گردد.

تفرقه اندازی و تشدید و افزایش عصبیت‌های قومی و مذهبی متناسفانه به عنوان یک پروژه از چند سال بدین سو در افغانستان هم در درون حکومت و هم در بیرون از چوکات حکومتی در حال اجرا می‌باشد و به صورت هماهنگ و سازمانده‌ای شده حقوق اساسی و شهروندی برخی اقوام به گونه‌های مختلف مورد انکار قرار می‌گیرد.

دفتر عبدالله عبدالله، رئیس اجراییه حکومت وحدت ملی آمار از میزان کشته شدن نیروهای امنیتی افغانستان در ولایت بدخشان را اعلان نموده است. دفتر عبدالله عبدالله و وزارت دفاع گفته است که در نبرد میان گروه طالبان و نیروهای امنیتی افغانستان ۳۳ نفر کشته و زخمی شده‌اند. باشنندگان بدخشان اما، میزان تلفات نیروهای امنیتی را بیش از آمار رسمی می‌داند که از سوی مقامات امنیتی اعلان شده است. بهار امسال را می‌توان بهار خونین مردم افغانستان و نیروه‌های امنیتی افغانستان خواند. اما تلفات نیروهای امنیتی در بدخشان تنها جایی نیست که نیروه‌های امنیتی کشور تلفات می‌دهد. چند روز پیش در حمله گروه طالبان بر دادستانی بلخ نیز دست کم ۱۲ تن از نیروهای امنیتی افغانستان کشته و تعدادی زیادی زخمی شدند. بدون شک، می‌توان گفت که بهار سال ۱۹۹۴، بهار خونین برای نیروهای امنیتی و شهروندان هادی کشور بوده است. گزارش دفتر سازمان ملل در افغانستان نیز بیانگر بهار خونین نیروهای امنیتی و شهروندان افغانستان است. دفتر سازمان ملل متحد اگر چه گزارش سه ماهه از اول سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد، آمار آن‌ها نشان می‌دهد که در سال جدید، تلفات شهروندان افغانستان افزایش یافته است. در گزارش سازمان ملل آمده است: در سه ماه گذشته ۶۵۵ غیر نظامی کشته و ۱۱۵۰ غیر نظامی زخمی شده است. در این گزارش افزایش ۱۵ درصدی از کشته شدن زنان را نیز نشان می‌دهد. سؤال این است که چرا آمار تلفات نیروهای امنیتی و شهروندان کشور هر روز افزایش می‌یابد. نوشتار کنونی با بررسی ابعاد مختلف مسئله در صدر توضیح چرایی این مسئله است. تلاش خواهد شد، با نگاه واقع بینانه به مسئله گریسته شود و از نگاه احساسی دوری گزیند.

اول: افغانستان از جمله کشور‌های است که تروریست در آن لانه کرده است.

مردم افغانستان سال‌ها با تروریستان جنگیده‌اند. از سال ۲۰۰۱ میلادی مبارزه تروریسم جنبه جدید به خود گرفت. جامعه جهانی به کمک مردم افغانستان آمد. مبارزه تشدید یافت و جان تازه گرفت، در نهایت، مردم افغانستان با کمک جامعه جهانی توانست تروریستان را در حاشیه‌ها براند و حکومت جدید تشکیل دهد. حکومت جدید همسو با جامعه جهانی و خواست مردم افغانستان در برابر تروریسم و گروه‌های تندرو مذهبی ایستادند و مبارزه نمودند. اما وضعیت دگرگون شد. حکومت در مبارزه با تندروان و تروریستان تغییر جهت داد. میان گروه طالبان و تروریستان تفکیک قائل شد. با این تقسیم بندی تروریستان را همانند گذشته رانند. ولی این تفکیک باعث شد نگاه حکومت نسبت به گروه طالبان تطبیف گردد. گروه طالبان بعد از آن که تنها تروریست خطاب نشد بلکه مخالف مسلح دولت، بردارن ناراضی خطاب شدند. پرسوه صلح به وجود آمد و تلاش‌های به منظور کشاندن گروه طالبان در میز مذاکره و گفتگو شد. اما تلاش‌ها نتیجه نداد. حکومت جدید شکل گرفت. حکومت جدید اما، به شکل افراطی تر سیاست‌های حکومت در قبال تندروان و قاتلین نیروهای امنیتی و مردم افغانستان ادامه دادند. حتی اشرف غنی، رئیس جمهور افغانستان باری گفت باید از گروه طالبان هذر خواهی شود. در این مدت، اراده سیاسی برای مبارزه با گروه طالبان و دیگر گروه‌های تندرو و مخالف مسلح دولت وجود نداشت. نیروه‌های امنیتی وقتی حمایت سیاسی نشود، روحیه خود را در میدان جنگ از دست می‌دهد. می‌توان گفت که سال‌های سال، نیروهای امنیتی بدون حمایت سیاسی در میدان جنگ در برابر گروه‌های تندرو ایستادگی نموده است. همین تغییر جهت نگاه رهبران سیاسی و هم حمایت از نیروهای امنیتی منجر به کاهش روحیه نیروهای امنیتی کشور شده

است. در نهایت تلفات افزایش یافته است. جدا از اینکه حمایت سیاسی از نیروه‌های امنیتی کشور نمی‌شود، به نیروه‌های امنیتی کشور حمایت کافی و لازم در مبارزه با تروریسم و گروه‌های تندرو نیز داده نشده است. باری، مراد علی مراد معاون لوی درستی‌تیز گفته بود که اگر صلاحیت لازم و کافی به نیروه‌های امنیتی از سوی رهبران سیاسی داده شود، نیروهای امنیتی کشور قادر به راندن و شکست دادن و تأمین امنیت تمام ولایات کشور است. نگارنده در سفر به ولایات شاهد رویدادهای بوده است که نیروه‌های امنیتی حق فیر کردن به گروه‌های تندرو را نداشتند. در حالی که گروه‌های تندرو طالبان به سمت نیروهای امنیتی و مردم بیگناه کشور آتش می‌گشودند. وقتی از نیروهای امنیتی کشور می‌پرسیدی چرا شما حمله نمی‌کنید؟ در جواب می‌گفت که اجازه فیر و حمله را نداریم. این صحنه‌ها دردناکترین صحنه میدان جنگ است. در این شرایطی بدون شک، تلفات نیروهای امنیتی افزایش می‌یابد. بنابراین، یکی از دلایل اصلی افزایش تلفات



نیروه‌های امنیتی و شهروندان کشور عدم صلاحیت کافی و لازم نیروهای امنیتی کشور در آتش گشودن به طرف نیروهای مخالف مسلح دولت است. سوم: نهاد ای امنیتی کشور با ضعف مدیریتی نیز مواجه است. بهار ها در میدان جنگ نیروه‌های امنیتی بدون نیروی حامی و پشتیبان مانده است. درخواست‌ها و تقاضای کمک نیروه‌ها از سوی نهاد ای امنیتی بدون پاسخ مانده‌اند. یک مورد و دو مورد نیست که نیروه‌های امنیتی در میدان جنگ بدون نیروی پشتیبان مانده‌اند بلکه موارد زیادی تکرار شده است. پارسال نیروهای امنیتی در کتر به خاطر عدم پاسخ نهاد ای امنیتی به درخواست کمک باعث شد که همه نیروهای امنیتی از سوی گروه طالبان کشته شود. گفته می‌شود که در بدخشان نیز، کسی توجه به درخواست کمک نیروهای امنیتی کشور ننموده است. ضعف مدیریت و عدم توجه به درخواست‌های نیروه‌های امنیتی در میدان جنگ یکی از مهمترین و اصلی دلایل افزایش تلفات نیروهای امنیتی و شهروندان کشور است. با وجود عدم حمایت رهبران سیاسی از

ادامه سکوت استراتژیک، تاخیر در آزادی گروگان هاست

یوسف مهر این



حدود پنجاه روز از گروگان گیری مسافران در ولایت زابل می‌گذرد اما هنوز معلوم نیست که آنان کی از بند ربانندگان آزاد می‌شوند. تاکنون راه‌های مختلف برای آزادی آن‌ها پیموده شده است؛ حکومت با پیش گرفتن سکوت استراتژیک و راه اندازی عملیات خاص نظامی تلاش کرد مسافران را از بند آزاد کند و جواب دندان شکنی برای هراس افکنان بدهد. در نتیجه اما با آن گفته شد تعدادی زیادی از هراس افکنان در آن حمله‌ی گروگان‌ها کشته شدند و تعدادی هم اسیر، خبری از آزادی مسافران به گوش نرسید. درعین حال تلاش‌های دیگری نیز از سوی متنفذین قومی و بزرگان ولایت زابل به راه انداخته شد، و آنان در هماهنگی با بزرگان کشور نشست‌های را با گروگان گیرها انجام دادند.

معضل و یک مساله کلان ملی است و اگر قرار باشد از شرارت‌ها و اعمال هراس افکنانه‌ی آن‌ها جلوگیری گردد، باید منابع و بسترهای حمایتی و جنگی آنان مورد حمله قرار گرفته و نابود گردد. در غیر آن اگر با این گروه‌های تروریستی که بخش زیادی از آن‌ها به دلیل حملات نیروه‌های پاکستان در مناطق قبایلی وزیرستان به افغانستان آمده‌اند، برخورد جدی صورت نگیرد و از کشور بیرون رانده نشوند، ممکن است دست به جنایت‌ها و تحرکات بیشتری بزنند. در این شرایط، که منطقه را حرکت‌های پنهان‌گرایانه‌ی جدیدی تهدید می‌کند، این هراس افکنان می‌توانند با تکرار همچون اعمال، مشکلات و چالش‌های فزاینده برای دولت و مردم افغانستان ایجاد کنند. بنابراین، ایجاب می‌کند که دولت برای نجات مسافران گروگان گرفته شده از هرگزیننه و راه ممکن استفاده کند، اگر عملیات نظامی نتیجه بخش است، عملیات نظامی راه اندازی نماید و یا هلیکوپتر هر راه دیگری که مناسب است، الا، با ادامه این‌گونه برخورد که آن را حکومت سکوت استراتژیک نامیده است، آزادی مسافران گروگان گرفته شده به تاخیر افتاده و حتی ممکن است به ضرر آن‌ها هم تمام شود. در آن صورت، پیامدهای اجتماعی آن برای حکومت وحدت ملی که هنوز درگیر مشکلات و چالش‌های درونی است، غیر قابل پیش بینی خواهد بود. چه این که این مساله، همانطوری که حالا با گستردگی و جدیت از سوی فعالین و چریکان‌های مردمی پیگیری می‌شود، بعد از آن نیز پیگیری خواهد شد.

گروگان گرفته‌اند و سپس به خاطر آزادی آنان مطالبات و خواست‌های را مطرح کرده‌اند. حتی در موارد متعددی به خواست‌ها و مطالبات آن‌ها رسیدگی شده تا کسانی که به گروگان گرفته شده بودند، از قید آنان رها ساخته شدند. گذشته از آن، اگر حکومت نگران است که نباید با تبادل این مسافران، تندروان آزاد شده به صفوف مخالفین مسلح بپیوند و بر علیه دولت بجنگند، این نگرانی نیز نمی‌تواند قابل پسند باشد. زیرا که در گذشته مواردی زیادی وجود داشته که در آن تعداد کثیری از دشمنان صلح و ثبات افغانستان از زندان‌ها آزاد شده‌اند و سپس آن‌ها به صورت مستقیم به جبهات جنگ رفته‌اند.

اکنون که حد اقل موضوع حفظ جان ۲۱ نفر مطرح است، که عواطف میلیون نهار انسان در نقاط مختلف کشور و جهان با آنان گره خورده است. حالا اگر به خاطر بازگشت دوباره تروریسان‌ها که هراس افکنان خواهان رهایی آن‌ها هستند، به میدانی جنگ تکرانی وجود دارد، بازهم این مسافران گروگان گرفته شده نباید قربانی شوند. آن طوری که خود مقام‌های دولتی گفته‌اند و متنفذان مردمی نیز بیان داشته‌اند، این مسافران فعلا در بند خارجی‌ها به سر می‌برند. ممکن است در اول از سوی طالبان محلی گرفتار شده باشند، هرچه باشد، این کلاسکاتی که دست به گروگان گیری و هراس افکنی می‌زنند، دشمنان مردم افغانستان‌اند و دارند وحدت ملی و ثبات کشور را آسیب می‌رسانند. از این رو، این‌ها برای دولت و ملت افغانستان یک

که دولت هرچه زودتر برای رهایی مسافران اقدام کند. بدون شک گروگان گیران هم به همین دلیل این مسافران را گروگان گرفته‌اند که مربوط به همین سرزمین و همین دولت‌اند. حالا پرسش این است که آیا حکومت به خاطر رهایی مسافران از بند ربانندگان، افراد آنان را آزاد می‌کند، یا نه، یا آن طوری که رئیس اجراییه گفته است نمی‌خواهند با عمل کردن به خواست گروگان گیران، گروگان گیری به یک فرهنگ تبدیل شود. به این شکل، هنوز معلوم نیست که دولت این مساله را چگونه خاتمه می‌دهد، آیا از مذاکرات متنفذین حمایت کرده و مسافران را با افراد گروگان گیران تبادل می‌کند و یا بازهم برای رهایی مسافران عملیات نظامی راه اندازی می‌کند. در این‌جا، دو نکته دیگر قابل دقت است، اول این که حکومت به عنوان حافظ امنیت و جان مردم مکل است از هر راه که شده مسافران گروگان گرفته شده را از بند رها سازد. زیرا که این حق شهروندی مسافران است، آنان به عنوان اتباع این کشور حق دارند که از دست هراس افکنان آزاد شوند و زندگی شان نجات داده شود. دوم، عدم تمایل که در این رابطه برای تبادل آن‌ها با افراد گروگان گیران از سوی حکومت اذعان شده است، موجه نمی‌نماید.

به خاطر که این اولین باری نیست که هراس افکنان برای آزادی افراد شان از نزد حکومت، دست به چنین کارهای بزنند. در گذشته نیز مواردی زیادی وجود داشته که آنان کسانی را به

کارتون روز



روزنامه‌افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می‌نماید.
هئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی‌شود.
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.
روزنامه افغانسان بخش دری و پشتی روزنامه اوت لوک افغانسان است.

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله زکی
کارکاتوریست: خالق علی زاده
دیزاین: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

افغانستان
The Daily Afghanistan
روزنامه
Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent News Source